

ارزیابی و رتبه‌بندی شاخص‌های حکمرانی شایسته



پژوهش‌های
سلامت‌اداری
سال اول
شماره ۲
تابستان ۱۴۰۴
صفحه ۷ الی ۳۱

چکیده

حکمرانی شایسته یک مفهوم چندوجهی است. هدف حکمرانی شایسته افزایش کارآمدی یک نظام سیاسی برای اداره جامعه است. در سیاست مرسوم، موضوع اصلی قدرت حکومت است؛ ولی در حکمرانی، موضوع اصلی، بهتر اداره کردن جامعه و نهادها با پشتوانه قدرت دولت است. هرچند پژوهشگران علوم مختلف از دریچه نگاه خود به موضوع حکمرانی شایسته پرداخته و توصیه‌هایی برای اجرا ارائه می‌کنند، اما با توجه به محدودیت‌های دولت‌ها، شناسایی اولویت‌ها در حکمرانی

محمدی حسلولئی،
محسن^۱ (دکترای
تخصصی، گروه
مدیریت بازرگانی،
دانشگاه آزاد اسلامی، و
احد مبارکه، اصفهان،
ایران)

مرادی، عباس (مدیر
گروه پردازش داده‌ها و
اطلاع‌رسانی، پژوهشکده
آمار، تهران، ایران)

۱. نویسنده مسئول

mohsenmohammadi1994@mau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۱۰

شایسته ضروری است؛ ارزیابی شاخص‌های حکمرانی شایسته در کشورهای در حال توسعه نیازمند رویکردی چندوجهی است؛ لذا پژوهش حاضر با هدف ارزیابی و رتبه‌بندی شاخص‌های حکمرانی شایسته از منظر خبرگان به روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی انجام شده است. با توجه به مطالعات انجام شده مؤلفه‌های کلیدی حکمرانی شایسته را می‌توان ثبات سیاسی، کیفیت نظارت، کنترل فساد، حاکمیت قانون، اثربخشی دولت و مشارکت‌پذیری دانست. به منظور ارزیابی شاخص‌های حکمرانی سه روش حساب چالش هزاره، شاخص حکمرانی جهانی و شاخص ترکیبی مورد ارزیابی قرار گرفتند. کنترل فساد مهم‌ترین معیار برای ارزیابی از بین معیارهای ارزیابی شاخص‌های حکمرانی شایسته شناخته شد؛ رتبه‌های بعدی به ترتیب به معیارهای حاکمیت قانون، مشارکت مردمی، کیفیت نظارت، ثبات سیاسی و اثربخشی دولت تعلق می‌گیرد. با توجه به نتایج به دست آمده در پاسخ به این پرسش که کدام روش، به منظور ارزیابی حکمرانی شایسته، مناسب‌تر است با در نظر گرفتن تمامی معیارهای ارزیابی، از بین روش‌های مورد بررسی، می‌توان گفت شاخص حکمرانی جهانی رتبه یک را به خود اختصاص داده است. رتبه‌های بعدی به ترتیب به شاخص ترکیبی و حساب چالش هزاره تعلق می‌گیرد. **واژگان کلیدی:** حکمرانی شایسته، کنترل فساد، سلامت اداری، تحلیل سلسله‌مراتبی فازی.

Evaluation and ranking of decent governance indicators

Mohammadi Hassanloei, Mohsen¹ /// (PhD, Department of Business Administration, Islamic Azad University, and Ahad Mobarakeh, Isfahan, Iran)

Moradi, Abbas /// (Director of Data Processing and Information Department, Statistical Research Institute, Tehran, Iran)

Abstract

Decent governance is a multifaceted concept, the goal of decent governance is to increase the efficiency of a political system for the administration of society. In traditional politics, the main issue of power is government, but in governance, the main issue is better to run society and institutions with the support of government power. Although researchers in various sciences have looked at the issue of good governance from their perspective and make recommendations for implementation, given the limitations of governments, it is necessary to identify priorities in good governance; evaluating good governance indicators in developing countries requires a multifaceted approach, so the present study was conducted with the aim of evaluating and ranking good governance indicators from the perspective of experts using the method of Phase hierarchical analysis. According to studies, the key components of decent governance can be considered political stability, quality of supervision, control of corruption, rule of law, effectiveness of government and participation. On the other hand, in order to evaluate Governance Indicators, three methods of calculating the Millennium Challenge, The Global Governance Index and the combined index were also evaluated. Corruption control was considered the most important criterion for evaluating among the criteria for evaluating the indicators of decent governance; the next rankings

1. Responsible author

belong to the criteria of the rule of Law, popular participation, quality of supervision, political stability and effectiveness of the state, respectively. In view of the results obtained in response to the question of which method is best suited to evaluate decent governance, taking into account all the evaluation criteria among the methods examined, it can be said that the Global Governance Index is ranked first. The next rankings are the combined Index and the Millennium Challenge Account, respectively.

Keywords: decent governance, corruption control, administrative health, fuzzy hierarchical analysis.



مقدمه

حکمرانی به عنوان یکی از مفاهیم محوری در علوم سیاسی و مدیریت عمومی، به شیوه‌ها، فرایندها و سازوکارهایی اشاره دارد که از طریق آن‌ها قدرت در جامعه اعمال می‌گردد؛ همچنین منابع عمومی مدیریت و روابط میان دولت، شهروندان و گروه‌های اجتماعی سامان‌دهی می‌شود. این مفهوم در ساده‌ترین تعریف خود، چگونگی سازمان‌دهی و اداره امور جامعه توسط نهادهای مسئول را نشان می‌دهد و هدف اصلی آن ایجاد نظم، هماهنگی و کارآمدی در اداره عمومی است (باقرزاده و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۰۹). حکمرانی شامل مکانیزم‌ها، فرایندها و نهادهایی است که از طریق آن‌ها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی، منافع خود را پیگیری، حقوق قانونی را اجرا و تعهداتشان را ایفا می‌کنند و تفاوت‌های موجود را تعدیل می‌نمایند؛ با این حال، در دهه‌های اخیر و با پیچیده‌تر شدن جوامع، افزایش مطالبات شهروندان و ناکارآمدی الگوهای سنتی اداره، مفهوم «حکمرانی شایسته» به عنوان الگویی نوظهور و تکامل یافته مطرح شده است که نه تنها بر کارآمدی تأکید دارد، بلکه ارزش‌هایی چون عدالت، شفافیت، پاسخگویی و مشارکت را در اولویت قرار می‌دهد.

حکمرانی شایسته، مفهومی چندوجهی و پویا است که از پیوند میان سیاست، مدیریت عمومی و نیازهای اجتماعی پدید می‌آید و به دنبال بهبود کیفیت اداره جامعه از طریق تعامل سازنده میان نهادهای دولتی، خصوصی و مدنی است. این الگو با هدف افزایش اثربخشی نظام‌های سیاسی و ارتقای توسعه اقتصادی و اجتماعی شکل می‌گیرد و مؤلفه‌هایی چون ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت نظارت، اثربخشی دولت و پاسخگویی را دربرمی‌گیرد. این عناصر، با ایجاد محیطی مساعد برای فعالیت‌های اقتصادی، رشد پایدار و توسعه را تسهیل می‌کنند (بوهل، ۲۰۲۴: ۱۲۴). امروزه حکمرانی شایسته به تعامل پویا و هدفمند میان دولت و نهادهای عمومی مرتبط با امور شهروندان وابسته است و چگونگی مدیریت جامعه توسط دولت‌ها را در کانون توجه قرار می‌دهد؛ بر این اساس، الگوی جدید حکمرانی از ظرفیت‌های بخش دولتی، خصوصی و مدنی برای ارائه خدمات کارآمد و اثربخش بهره می‌گیرد و به عنوان روشی جامع و نظام‌گرا در پاسخ به ناکارآمدی سازوکارهای پیشین توسعه پیشنهاد شده است (موهان، ۲۰۲۳: ۴۲). در این چهارچوب، هدف اصلی حکمرانی شایسته، نه صرفاً اعمال قدرت، بلکه بهتر اداره کردن جامعه و نهادها با پشتوانه قدرت مشروع دولت است که آن را از مفهوم سنتی «حکومت» متمایز می‌سازد (بیگی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۷).

در مبانی نظری، دورویکرد اصلی به حکمرانی شایسته قابل‌شناسایی است: رویکرد نخست، حکمرانی شایسته را روش اعمال قدرت در مدیریت توسعه اقتصادی و اجتماعی تعریف می‌کند و بر نقش رهبری در پابیندی به ارزش‌هایی چون شفافیت، حاکمیت قانون، پاسخگویی و احترام به حقوق انسانی و مدنی تأکید دارد؛ بر اساس این دیدگاه، کشورهای دارای حکمرانی شایسته تلقی می‌شوند که توسط نظام‌هایی هدایت شوند که رهبران‌شان به این اصول متعهد باشند (ماییتی و همکاران، ۲۰۲۴: ۲۱۴).

رویکرد دوم، بر تسهیم اقتدار میان دولت و سازمان‌های غیردولتی تمرکز دارد و حکمرانی را به صورت همکاری چندجانبه میان بازیگران مختلف برای حل مسائل اجتماعی می‌بیند. این دیدگاه، مشارکت فعال نهادهای مدنی و بخش خصوصی را در کنار دولت ضروری می‌داند و حکمرانی را فراتر از تمرکز صرف بر نهادهای دولتی، به عنوان شکلی از همکاری

چندجانبه تعریف می‌کند (خویا و بن عبدالهادی، ۲۰۲۰: ۵۰). از سوی دیگر، محققانی چون چارلیک، حکمرانی را مدیریت اثربخش مسائل عمومی در چهارچوب قوانین پذیرفته شده، با هدف رشد و تقویت ارزش‌های اجتماعی تعریف کرده‌اند و بر رابطه هنجاری میان حاکمان و شهروندان تأکید دارند؛ بر این اساس، شاخص‌هایی چون قانون محوری، پاسخگویی، مدیریت اثربخش و دسترسی به اطلاعات (جامعه اطلاعاتی) به عنوان معیارهای کلیدی حکمرانی شایسته مطرح شده‌اند (قلی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۰۵).

حکمرانی شایسته به عنوان پدیده‌ای نوظهور، در پی تحولات جهانی و نیاز به الگوهای کارآمدتر اداره جوامع شکل گرفته است؛ در این راستا، از الگوی «حکمران خوب» به عنوان روشی جامع یاد می‌شود که دولت را ملزم می‌سازد تا ثبات و پایداری را در جامعه برقرار، چهارچوب‌های قانونی مناسب و اثربخش را برای فعالیت‌های عمومی مستقر و امنیت و عدالت را در بازار و جامعه تضمین کند. این الگو همچنین خواستار کاهش نقش تصدی‌گری دولت و تقویت نقش حمایتی آن است تا اداره امور از روش سنتی مدیریت عمومی به روش حکمرانی عمومی تغییر یابد (بیگی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۷)؛ افزون بر این، مبارزه با فساد و ارتقای سلامت اداری از جنبه‌های کلیدی حکمرانی شایسته به شمار می‌رود که مستلزم تقویت نهادهای مدنی، آموزش مدنی، مراقبت اجتماعی و ایجاد بسترهایی چون مطبوعات آزاد و احزاب سیاسی مستقل است. با وجود اهمیت این مؤلفه‌ها، بررسی‌ها نشان می‌دهد که راهبردهای اجتماعی و عوامل اثرگذار بر آن کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند و تقویت این حوزه‌ها نیازمند تلاش‌های بیشتری است. (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۳۱۵).

ارزیابی شاخص‌های حکمرانی شایسته، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، نیازمند رویکردی چندجانبه و جامع است که روش‌های مختلفی را برای درک پیچیدگی‌های این مفهوم ترکیب کند. مؤثرترین روش‌های ارزیابی، شاخص‌های مبتنی بر ادراک و مبتنی بر نتیجه را ادغام می‌کنند تا تصویری دقیق‌تر از کیفیت حکمرانی ارائه دهند (هاندویو، ۲۰۲۳: ۲). شاخص‌های ترکیبی، مانند شاخص‌های جهانی حکمرانی بانک جهانی (WGI)، از منابع متعدد داده‌ها استفاده می‌کنند و ابعاد مختلفی چون صدا و پاسخگویی، ثبات

سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت تنظیمات، حاکمیت قانون و کنترل فساد را ارزیابی می‌کنند. این شاخص‌ها عمدتاً بر ادراکات و نظرات متخصصان مبتنی هستند. در مقابل، شاخص‌های مبتنی بر نتیجه، مانند نرخ رشد اقتصادی، کاهش فقر، نرخ محاکمه فساد و اثربخشی خدمات عمومی، بر خروجی‌های واقعی حکمرانی تمرکز دارند و می‌توانند داده‌های ادراکی را تأیید یا تکمیل کنند؛ علاوه بر این، ارزیابی‌های کیفی نظیر مطالعات موردی، مصاحبه‌های عمیق و تحلیل اقتصاد سیاسی، اطلاعات محلی و زمینه‌ای را فراهم می‌کنند که شاخص‌های کمی ممکن است نتوانند آن‌ها را به خوبی پوشش دهند. ترکیب این روش‌ها امکان شناسایی زمینه‌های بهبود و اطمینان از خدمت‌رسانی مؤثر سیستم‌های حکمرانی به مردم را فراهم می‌سازد (هاندویو، ۲۰۲۳: ۲).

با وجود پیشرفت‌های نظری و عملی در حوزه حکمرانی شایسته، همچنان خلأهایی در قلمروهای جغرافیایی و موضوعی این مفهوم مشاهده می‌شود. در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، فقدان مطالعات جامع درباره تأثیر راهبردهای اجتماعی بر ارتقای حکمرانی شایسته مشهود است؛ همچنین، کمبود ارزیابی‌های دقیق و مبتنی بر داده از عملکرد شاخص‌هایی چون کنترل فساد، پاسخگویی و اثربخشی دولت، مانع از شناسایی نقاط ضعف و ارائه راهکارهای مؤثر شده است؛ این در حالی است که تقویت نهادهای مدنی، آموزش عمومی و افزایش آگاهی اجتماعی به عنوان مؤلفه‌های کلیدی در کاهش فساد و بهبود کارآمدی نظام‌های حکومتی، کمتر مورد بررسی عمیق قرار گرفته‌اند؛ از این رو، مسئله اصلی این است که چگونه می‌توان با تمرکز بر راهبردهای اجتماعی و تقویت مؤلفه‌های اثرگذار، کیفیت حکمرانی شایسته را در چنین کشورهایی ارتقا داد؟ پاسخ به این پرسش نیازمند پژوهش‌های بیشتر و رویکردی عمل‌گرایانه است که هم نظریه و هم عمل را دربرگیرد.

مروری بر ادبیات موضوع

مفهوم حکمرانی (Governance) در ابتدا در چهارچوب نظریه‌های مدیریت دولتی در قرن بیستم شکل گرفت و به عنوان جایگزینی برای واژه سنتی حکومت (Government)

به کار رفت. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، این اصطلاح در آثار اندیشمندان برای توصیف فرایندهای تصمیم‌گیری و مدیریت منابع در سطح دولتی مطرح شد. برخلاف حکومت که بر اقتدار متمرکز و سلسله‌مراتبی تأکید داشت، حکمرانی به تدریج به معنای توزیع قدرت میان بازیگران دولتی و غیردولتی تعریف شد. این تغییر پارادایم در واکنش به تحولات جهانی مانند افزایش نقش سازمان‌های بین‌المللی و پیچیدگی‌های ناشی از جهانی شدن رخ داد (پیترز و پیر، ۱۹۹۸: ۲۱۲).

مفهوم حکمرانی شایسته در دهه ۱۹۹۰ به‌طور خاص توسط نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول معرفی شد. این اصطلاح در گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۱ بانک جهانی به‌عنوان چهارچوبی برای بهبود کارایی دولت‌ها و پیشبرد توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه ظهور کرد. هدف اولیه آن، اصلاحات ساختاری در نظام‌های سیاسی و اقتصادی بود؛ اما به سرعت در ادبیات دانشگاهی به مفهومی چندوجهی تبدیل شد که نه تنها کارایی، بلکه ارزش‌های دموکراتیک، عدالت اجتماعی و مشارکت را نیز دربرگرفت. برخلاف حکمرانی که عمدتاً بر سازوکارها متمرکز بود، حکمرانی شایسته به کیفیت این سازوکارها و تأثیرات آن‌ها بر جامعه توجه نشان داد. این تکامل، زمینه‌ساز بحث‌های گسترده‌ای در میان نظریه‌پردازان شد که هرکدام از زاویه‌ای متفاوت به آن پرداختند (بریانت، ۲۰۱۸: ۴۳).

ادبیات حکمرانی شایسته طیف وسیعی از دیدگاه‌های نظری را دربرمی‌گیرد که نشان‌دهنده پیچیدگی آن است. یکی از رویکردهای برجسته، دیدگاه کارایی محور است که ریشه در «تئوری شایستگی» دارد. این تئوری، که در آثار محققانی مانند باثور و نصیری طوسی برجسته شده، حکمرانی شایسته را نتیجه همسویی مهارت‌های مدیریتی با اهداف استراتژیک می‌داند و بر شایستگی‌های فنی مانند برنامه‌ریزی مؤثر و اجرای سیاست‌ها تأکید دارد (باثور و نصیری طوسی، ۲۰۲۲: ۲۲۵). این دیدگاه، که اغلب در مطالعات مدیریت دولتی غالب است، کارایی را از طریق معیارهای عملکرد قابل سنجش ارزیابی می‌کند و بیشتر مورد توجه نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است.

در مقابل، رویکردهای دموکراتیک‌تر، مانند آنچه موهان مطرح می‌کند، حکمرانی شایسته را فراتر از کارایی فنی می‌بینند و آن را با اصولی چون شفافیت سیاسی، پاسخگویی و مشارکت جامعه مدنی پیوند می‌زنند. (موهان، ۲۰۲۳: ۴۳). این دیدگاه، که ریشه در نظریه‌های دموکراسی مشارکتی دارد، استدلال می‌کند که بدون درگیر کردن شهروندان و نهادهای غیردولتی، حکمرانی نمی‌تواند مشروعیت پایدار داشته باشد. گریندل این ایده را با تأکید بر نقش جامعه مدنی به عنوان نگهبان پاسخگویی گسترش می‌دهند و نشان می‌دهند که تعامل فعال میان دولت و مردم چگونه انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند. (گریندل، ۲۰۲۰: ۱۶۸).

بائور و نصیری طوسی از زاویه‌ای دیگر وارد بحث می‌شوند و پیامدهای اجتماعی - اقتصادی را در مرکز توجه قرار می‌دهد. آن‌ها استدلال می‌کنند که حکمرانی شایسته نه تنها باید کارآمد باشد، بلکه باید به کاهش نابرابری، توانمندسازی حاشیه‌نشینان و ارتقای توسعه انسانی منجر شود. (بائور و نصیری طوسی، ۲۰۲۲: ۲۲۵). این دیدگاه با پژوهش بوهل در آفریقای جنوبی هم‌راستاست که نشان می‌دهد رهبری شایسته چگونه از طریق سیاست‌گذاری هوشمندانه، شکاف‌های اجتماعی را کاهش داده است (بوهل، ۲۰۲۴: ۱۲۷)؛ اما این رویکردها بی‌چالش نیستند. بریانت هشدار می‌دهد که تأکید بیش از حد بر نتایج قابل‌سنجش، ممکن است پویایی‌های سیاسی و ساختارهای قدرت محلی را نادیده بگیرد و به تحلیل‌های سطحی منجر شود (بریانت، ۲۰۱۸: ۴۳).

تحلیل تطبیقی رویکردهای سازمانی و دانشگاهی

یکی از تمایزات کلیدی در ادبیات، تفاوت میان دیدگاه سازمان‌های بین‌المللی و محققان دانشگاهی است. نهادهایی مانند بانک جهانی و سازمان ملل، حکمرانی شایسته را به عنوان ابزاری برای ثبات اقتصاد کلان، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و اصلاحات ساختاری می‌بینند؛ برای مثال، گزارش‌های بانک جهانی اغلب بر معیارهایی چون کاهش فساد و بهبود خدمات عمومی تمرکز دارند و از مدل‌های تجویزی حمایت

می‌کنند که به راحتی در کشورهای مختلف قابل اجرا باشند (هاندویو، ۲۰۲۳: ۵). این رویکرد عمل‌گرایانه، اگرچه در کوتاه‌مدت مؤثر به نظر می‌رسد، اما از سوی محققان دانشگاهی مورد نقد قرار گرفته است.

محققان دانشگاهی مانند داس و گیری بر اهمیت بسترهای محلی و تاریخی تأکید دارند و استدلال می‌کنند که نمی‌توان یک الگوی واحد را به همه جوامع تعمیم داد. آن‌ها نشان داده‌اند که در برخی موارد، رشد اقتصادی بدون وجود حکمرانی شایسته رخ داده؛ اما این رشد معمولاً شکننده و همراه با ناپایداری سیاسی بوده است (داس و گیری، ۲۰۲۴: ۱۱۱)؛ همچنین، گریندل بر این باور است که بدون توجه به تعاملات قدرت و نقش نهادهای غیردولتی، مدل‌های سازمانی نمی‌توانند به عمق مسائل نفوذ کنند (گریندل، ۲۰۲۰: ۱۶۸). این اختلاف، پرسش‌هایی اساسی را مطرح می‌کند: آیا حکمرانی شایسته باید جهانی باشد یا بومی؟ و چگونه می‌توان میان اهداف کوتاه‌مدت اقتصادی و پایداری بلندمدت تعادل برقرار کرد؟

شاخص‌های ارزیابی حکمرانی شایسته

ادبیات حکمرانی شایسته، روش‌های ارزیابی متعددی را پیشنهاد داده است که هرکدام نقاط قوت و ضعف خود را دارند. شاخص‌های مبتنی بر ادراک، مانند حساب چالش هزاره (MCA) که توسط راتبرگ تحلیل شده است، بر نظرات کارشناسان و پاسخ‌های نظرسنجی تکیه دارد (راتبرگ، ۲۰۱۴: ۵۱۲). این روش در کشورهای در حال توسعه، جایی که داده‌های عینی ممکن است کمیاب باشد، کاربرد زیادی دارد؛ اما به دلیل وابستگی به ادراکات ذهنی، با انتقاداتی مواجه است.

شاخص‌های مبتنی بر نتیجه: شاخص‌های جهانی حکمرانی (WGI)، که هاندویو آن را بررسی کرده است، تغییرات در اثربخشی سیاست‌ها و کاهش فساد را در طول زمان رصد می‌کند (هاندویو، ۲۰۲۳: ۵). این روش به دلیل تمرکز بر خروجی‌های ملموس، از اعتبار بالایی برخوردار است؛ اما جنبه‌های کیفی مانند اعتماد عمومی را به خوبی پوشش نمی‌دهد.

شاخص‌های ترکیبی: این رویکرد، که راتبرگ آن را پیشنهاد می‌دهد، قوانین رسمی و اجرای عملی آن‌ها را تلفیق می‌کند (راتبرگ، ۲۰۱۴: ۵۱۳). برخی محققان مانند موهان استفاده از شاخص‌های جمعی (مانند روندهای منطقه‌ای) و فردی (مثل عملکرد یک دولت خاص) را نیز توصیه می‌کنند تا تحلیل‌ها جامع‌تر شوند (موهان، ۲۰۲۳: ۴۴). محققان بر محدودیت‌های این روش‌ها نیز تأکید دارند؛ برای مثال، (بائور و نصیری طوسی، ۲۰۲۲: ۲۲۵) اشاره می‌کنند که شاخص‌های ادراکی ممکن است تحت تأثیر سوگیری‌های فرهنگی یا سیاسی قرار گیرند، درحالی‌که روش‌های نتیجه‌محور، پیچیدگی‌های اجتماعی و نهادی را ساده‌سازی می‌کنند؛ ازاین‌رو، پیشنهاد می‌شود که ترکیبی از این روش‌ها با بازنگری مداوم به کار گرفته شود تا دقت تحلیل‌ها افزایش یابد.

دیدگاه‌های انتقادی و جهت‌گیری‌های آینده

ادبیات حکمرانی شایسته با نقدهای متعددی نیز مواجه است. یکی از انتقادات اصلی، که توسط بریانت مطرح شده، این است که مدل‌های جهانی اغلب زمینه‌های فرهنگی و تاریخی را نادیده می‌گیرند و به راه‌حل‌های سطحی منجر می‌شوند (بریانت، ۲۰۱۸: ۴۳). بائور و نصیری طوسی این ایده را گسترش می‌دهد و استدلال می‌کند که تجویز الگوهای یکسان، به‌ویژه در جوامع متنوع، کارایی حکمرانی را کاهش می‌دهد (بائور و نصیری طوسی، ۲۰۲۲: ۲۲۵)؛ همچنین، داس و گیری هشدار می‌دهند که تمرکز بیش از حد بر نتایج اقتصادی ممکن است ابعاد اخلاقی مانند عدالت اجتماعی را به حاشیه براند (داس و گیری، ۲۰۲۴: ۱۱۲).

از سوی دیگر، برخی محققان مانند بوهل معتقدند که حکمرانی شایسته باید به‌عنوان فرایندی پویا دیده شود که با نیازهای جامعه تکامل می‌یابد (بوهل، ۲۰۲۴: ۱۲۷). این دیدگاه، پژوهش‌های آینده را به سمت بررسی چگونگی انطباق این مفهوم با شرایط محلی و تقویت نقش نهادهای بومی سوق می‌دهد. چالش اصلی این است که چگونه می‌توان میان کارایی فنی، ارزش‌های دموکراتیک و انعطاف‌پذیری بومی تعادل برقرار کرد تا حکمرانی شایسته در عمل پایدار و مؤثر باشد.

پژوهش حاضر را می‌توان در زمره مطالعات کاربردی طبقه‌بندی کرد. این پژوهش، با توجه به شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات و روش تحلیل آن‌ها، از جمله تحقیقات توصیفی (غیرآزمایشی) محسوب می‌شود؛ زیرا هدف آن پاسخ‌گویی به یک مسئله و پرسش واقعی موجود در عمل از طریق فرایند تحقیق علمی است. از نظر نحوه اجرا، این پژوهش در دسته تحقیقات پیمایشی قرار می‌گیرد. مهم‌ترین روش‌های گردآوری اطلاعات در این مطالعه شامل مطالعات کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با پیشینه و ادبیات موضوع پژوهش و نیز تحقیقات میدانی برای گردآوری داده‌ها و تحلیل اطلاعات بوده است که این فرایند از طریق پرسش‌نامه‌های مبتنی بر مقایسه زوجی انجام پذیرفته است.

روش تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر بر اساس روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی (FAHP) بوده است که پس از توزیع پرسش‌نامه مقایسات زوجی و محاسبه نرخ ناسازگاری در نهایت بر اساس خروجی نرم‌افزار EXPERT CHOICE رتبه‌هریک از شاخص‌های ارزیابی حکمرانی شایسته مشخص شد.

تحلیل سلسله‌مراتبی ابزاری برای تصمیم‌گیری چندمعیاره است که می‌تواند مسائل پیچیده را به صورت سلسله‌مراتبی ایجاد کند؛ در نتیجه ارزیابی همه معیارهای مرتبط با تصمیمی را که باید داده شود ساده می‌کند. همه گزینه‌ها بر اساس هر معیار با استفاده از مقیاس ترجیحی به طور جداگانه مقایسه می‌شوند و برای هر معیار یک لیست اولویت از گزینه‌ها به دست می‌آید. مقیاس ترجیحی که بیشتر استفاده می‌شود، مقیاس ۱-۹ است. مدل تحلیل توسعه‌چانگ یکی از آن‌هاست که بستگی به میزان احتمال هر معیار دارد (کینای و تزل، ۲۰۲۲: ۳۵۰).

از اعداد فازی مثلثی (l, m, u) برای ایجاد مقیاس مقایسه زوجی استفاده می‌شود و یک ماتریس مقایسه زوجی برای هر سطح در سلسله‌مراتب ساخته می‌شود؛ سپس، زیرمجموعه‌های هر سطر در ماتریس محاسبه می‌شود تا یک مجموعه جدید داشته باشد. مقادیر کلی فازی مثلثی (L_i, m_i, u_i) برای معیار M_i با محاسبه مجموع m_i, u_i و L_i به

دست می‌آید. توابع عضویت که به معنی میانگین وزن متناظر گزینه‌ها در ماتریس مربوطه است، با استفاده از این مقادیر برای هر معیار محاسبه می‌شود. آن‌ها نرمال می‌شود و وزن نهایی اهمیت هر یک از معیارها به دست می‌آید (فهیم و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۰).

جدول ۱: طیف مقایسات زوجی AHP فازی

اولویت‌ها	حد پایین (L)	حد متوسط (m)	حد بالا (u)
اهمیت یکسان	۱	۱	۱
یکسان تا نسبتاً مهم‌تر	۱	۲	۳
نسبتاً مهم‌تر	۲	۳	۴
نسبتاً مهم‌تر تا اهمیت زیاد	۳	۴	۵
اهمیت زیاد	۴	۵	۶
اهمیت زیاد تا بسیار زیاد	۵	۶	۷
اهمیت بسیار زیاد	۶	۷	۸
بسیار زیاد تا کاملاً مهم‌تر	۷	۸	۹
کاملاً مهم‌تر	۸	۹	۱۰

برای اعمال فرایند بسته به این سلسله‌مراتب، طبق روش تحلیل توسعه چانگ، هر معیار در نظر گرفته می‌شود و برای هر معیار، معیار تعادل اندازه‌گیری می‌شود. از روش فرایند سلسله‌مراتبی فازی برای وزن دهی و رتبه‌بندی معیارها یا گزینه‌های پژوهش استفاده می‌شود. برای محاسبه اوزان در روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی سه روش وجود دارد ۱- روش آنالیز توسعه چانگ ۲- روش بهبود یافته تحلیل سلسله‌مراتبی فازی ۳- روش اولویت‌بندی فازی میخایلو (کینای و تزل، ۲۰۲۲: ۳۵۲).

روش تحلیل سلسله‌مراتبی یکی از روش‌های مبتنی بر نظرات خبرگان است و نمونه‌گیری در روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره از نوع غیرتصادفی و هدفمند انجام می‌شود؛ به این معنا که افرادی انتخاب می‌شوند که به عنوان خبره در موضوع مورد نظر شناخته شده باشند؛ این در حالی است که در روش‌های آماری، ابتدا با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه، تعداد نمونه‌ها محاسبه می‌شود. در روش‌های مبتنی بر خبرگان، بر

اساس دیدگاه‌های ارائه شده توسط ساعتی و بسیاری از صاحب نظران، تعداد نمونه معمولاً بین ۱۰ تا ۲۰ نفر تعیین می‌شود. در پژوهش حاضر، از نظرات ۲۰ نفر از خبرگان استفاده شده است.

به منظور ارزیابی و رتبه‌بندی شاخص‌های حکمرانی شایسته با بررسی مقالات و پژوهش‌های صورت گرفته سه روش حساب چالش هزاره، شاخص حکمرانی جهانی و شاخص ترکیبی، شاخص‌هایی هستند که بیشترین کاربرد و تکرار را در مقالات داشته‌اند؛ لذا این ۳ مدل برای مقایسه رتبه‌بندی انتخاب شدند. برای انتخاب معیارها هم بررسی مقالات و پژوهش‌های صورت گرفته به انتخاب ۶ معیار، ثبات سیاسی، کیفیت نظارت، کنترل فساد، حاکمیت قانون، اثربخشی دولت و مشارکت مردمی منجر شد.

تحلیل مطالب

به منظور انجام تحلیل سلسله‌مراتبی ابتدا باید ساختار سلسله‌مراتبی متشکل از هدف، معیار و گزینه‌ها را تشکیل داد.



نمودار ۱. ساختار سلسله‌مراتبی رتبه‌بندی شاخص‌های حکمرانی شایسته

بر اساس نظرات خبرگان در خصوص معیارهای ارزیابی شاخص‌های حکمرانی شایسته و رتبه‌بندی شاخص‌های حکمرانی شایسته مورد مطالعه، از طریق به کارگیری روش تحلیل سلسله‌مراتبی و ترکیب وزن‌ها به روش ایده‌آل نتایج ذیل حاصل شد.

جدول ۲: نتایج مقایسه شاخص‌ها

رتبه	نام معیار	وزن معیار
۱	کنترل فساد	۰,۳۲۵
۲	حاکمیت قانون	۰,۲۴۷
۳	مشارکت مردمی	۰,۱۷۲
۴	کیفیت نظارت	۰,۰۹۲
۵	ثبات سیاسی	۰,۰۸۵
۶	اثربخشی دولت	۰,۰۷۹

همان‌طور که از جدول شماره ۲ مشخص است، بر اساس هدف رتبه‌بندی شاخص‌های حکمرانی شایسته، کنترل فساد بنابر نظر خبرگان، رتبه یک را به خود اختصاص داده است. رتبه‌های بعدی به ترتیب به حاکمیت قانون، مشارکت مردمی، کیفیت نظارت، ثبات سیاسی و اثربخشی دولت تعلق می‌گیرد.

جدول ۳: نتایج مقایسه شاخص‌ها

مدل	وزن شاخص‌ها (کنترل فساد)	وزن شاخص‌ها (حاکمیت قانون)	وزن شاخص‌ها (مشارکت مردمی)	وزن شاخص‌ها (کیفیت نظارت)	وزن شاخص‌ها (ثبات سیاسی)	وزن شاخص‌ها (اثربخشی دولت)
حساب چالش هزاره	۰,۲۶۱	۰,۲۶۲	۰,۲۲۶	۰,۴۳۷	۰,۱۲۶	۰,۵۱۵
شاخص حکمرانی جهانی	۰,۶۳۵	۰,۶۲۸	۰,۶۸۲	۰,۱۹۱	۰,۴۳۷	۰,۱۲۱
شاخص ترکیبی	۰,۱۰۴	۰,۱۱۰	۰,۰۹۲	۰,۳۷۲	۰,۴۳۷	۰,۳۶۴

همان‌طور که از جدول ۳ مشخص است، بر اساس شاخص‌های کنترل فساد، حاکمیت قانون و مشارکت مردمی، شاخص حکمرانی جهانی رتبه یک را به خود اختصاص داده است؛ همچنین بر اساس شاخص کیفیت نظارت و اثربخشی دولت

نیز حساب چالش هزاره رتبه یک را به خود اختصاص داده است. از منظر شاخص ثبات سیاسی نیز شاخص حکمرانی جهانی و شاخص ترکیبی ارجحیت یکسانی نسبت به یکدیگر دارند.

جدول ۴: نتایج مقایسه معیارها

رتبه	نام معیار	وزن معیار
۱	شاخص حکمرانی جهانی	۰,۴۶۲
۲	حساب چالش هزاره	۰,۳۹۷
۳	شاخص ترکیبی	۰,۱۴۱

همان‌طور که از جدول ۴ مشخص است، بر اساس ترکیب تمامی معیارهای ارزیابی یا به عبارت دیگر به منظور سنجش حکمرانی شایسته، شاخص حکمرانی جهانی، رتبه یک را به خود اختصاص داده است. رتبه‌های بعدی به ترتیب به حساب چالش هزاره و شاخص ترکیبی تعلق می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی و رتبه‌بندی معیارها و شاخص‌های حکمرانی شایسته انجام شده است. بر اساس یافته‌های این مطالعه که با بهره‌گیری از روش تحلیل سلسله‌مراتبی و نظرات خبرگان به دست آمده است، شاخص‌های کلیدی حکمرانی شایسته وزن‌دهی و اولویت‌بندی شده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که از میان شاخص‌های مورد بررسی، کنترل فساد با وزن ۰,۳۲۵ در رتبه نخست قرار دارد و به عنوان مهم‌ترین اولویت در پیاده‌سازی حکمرانی شایسته شناخته می‌شود؛ پس از آن، به ترتیب حاکمیت قانون (۰,۲۴۷)، مشارکت مردمی (۰,۱۷۲)، کیفیت نظارت (۰,۰۹۲)، ثبات سیاسی (۰,۰۸۵) و اثربخشی دولت (۰,۰۷۹) در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. این یافته‌ها حاکی از آن است که کنترل فساد به عنوان پایه‌ای اساسی برای تحقق سایر مؤلفه‌های حکمرانی شایسته، از اولویت بالاتری برخوردار است و بدون آن، اجرای مؤثر قوانین و کارکرد بهینه سازمان‌ها با چالش مواجه خواهد شد؛ علاوه بر این، در مقایسه مدل‌های مختلف سنجش حکمرانی

شایسته، شاخص حکمرانی جهانی با وزن ۰٫۴۶۲ در رتبه اول قرار گرفت و به عنوان برترین مدل ارزیابی شناخته شد؛ درحالی‌که حساب چالش هزاره (۰٫۳۹۷) و شاخص ترکیبی (۰٫۱۴۱) به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این نتایج نشان‌دهنده برتری نسبی شاخص حکمرانی جهانی در ارزیابی جامع معیارهای حکمرانی شایسته است.

در مقام مقایسه با مطالعات پیشین، پژوهشگران عمدتاً بر ارائه و بسط تحلیلی یا کاربردی شاخص‌های حکمرانی شایسته یا سنجش عملکرد کشورها در این زمینه متمرکز بوده‌اند؛ اما در این مطالعه، تمرکز اصلی بر اولویت‌بندی شاخص‌ها و معیارهای سنجش حکمرانی شایسته قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که با توجه به محدودیت‌های موجود در سازمان‌ها و کشورها که امکان اجرای هم‌زمان تمامی شاخص‌ها را سلب می‌کند، کنترل فساد به عنوان گام نخست و ضروری در مسیر دستیابی به حکمرانی شایسته مطرح است و پس از آن، حاکمیت قانون به عنوان مکمل کلیدی این فرایند اهمیت می‌یابد. این نتایج می‌تواند به سیاست‌گذاران و مدیران در تدوین برنامه‌های اجرایی برای بهبود حکمرانی شایسته یاری رساند.

پژوهش حاضر با هدف اصلی «ارزیابی و رتبه‌بندی شاخص‌های حکمرانی شایسته» از دیدگاه نخبگان و با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی (FAHP) طراحی و اجرا شد. این مطالعه تلاش کرد تا با شناسایی مؤلفه‌های کلیدی حکمرانی شایسته و اولویت‌بندی آن‌ها، راهنمایی عملی برای سیاست‌گذاری در کشورهای در حال توسعه، به ویژه ایران، ارائه دهد؛ همچنین، با مقایسه سه روش ارزیابی شاخص‌های حکمرانی (حساب چالش هزاره، شاخص حکمرانی جهانی، و شاخص ترکیبی)، به دنبال تعیین مناسب‌ترین ابزار برای سنجش این مفهوم بود. در ادامه، به تشریح دقیق‌تر یافته‌ها، تحلیل روش‌شناسی، و پیامدهای این پژوهش پرداخته می‌شود.

یافته‌های کلیدی

۱. رتبه‌بندی معیارهای حکمرانی شایسته: بر اساس تحلیل سلسله‌مراتبی فازی و نظرات ۲۰ نفر از خبرگان، شش معیار اصلی حکمرانی شایسته شامل «کنترل

فساد»، «حاکمیت قانون»، «مشارکت مردمی»، «کیفیت نظارت»، «ثبات سیاسی»، و «اثربخشی دولت» ارزیابی شدند. نتایج نشان داد:

- کنترل فساد با وزن ۳۲۵٪ به عنوان مهم‌ترین معیار شناخته شد. این امر نشان‌دهنده نقش حیاتی مبارزه با فساد و ارتقای سلامت اداری در تحقق حکمرانی شایسته است. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، فساد به عنوان مانعی اساسی برای توسعه پایدار و اعتماد عمومی شناخته می‌شود، و این یافته بر ضرورت تمرکز بر این حوزه تأکید دارد.

- حاکمیت قانون با وزن ۲۴۷٪ در رتبه دوم قرار گرفت. این معیار بر اهمیت وجود چهارچوب‌های قانونی شفاف، قابل اجرا و عادلانه دلالت دارد که پایه‌ای برای سایر مؤلفه‌های حکمرانی شایسته محسوب می‌شود.

- مشارکت مردمی با وزن ۱۷۲٪ در جایگاه سوم ایستاد. این نتیجه نشان‌دهنده ارزش روبه‌رشد تعامل شهروندان و نهادهای مدنی در فرایندهای تصمیم‌گیری است که می‌تواند مشروعیت و اثربخشی نظام‌های حکومتی را تقویت کند.

- معیارهای «کیفیت نظارت» (۰/۰۹۲)، «ثبات سیاسی» (۰/۰۸۵)، و «اثربخشی دولت» (۰/۰۷۹) به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. این رتبه‌بندی بیانگر آن است که اگرچه این عوامل مهم هستند، اما در مقایسه با کنترل فساد، حاکمیت قانون، و مشارکت مردمی، از اولویت کمتری برخوردارند.

۲. ارزیابی روش‌های سنجش حکمرانی شایسته: سه روش ارزیابی شامل حساب چالش هزاره، شاخص حکمرانی جهانی و شاخص ترکیبی با توجه به معیارهای فوق مقایسه شدند. نتایج به شرح زیر بود:

- شاخص حکمرانی جهانی با وزن کلی ۴۶۲٪ به عنوان برترین روش ارزیابی شناخته شد. این شاخص در معیارهای «کنترل فساد» (۰/۶۳۵)، «حاکمیت قانون» (۰/۶۲۸)، و «مشارکت مردمی» (۰/۶۸۲) عملکرد برتری داشت، که نشان‌دهنده توانایی آن در ارائه تصویری جامع و چندوجهی از کیفیت حکمرانی است. WGI به دلیل استفاده از داده‌های گسترده و منابع متنوع،

قابلیت انطباق با شرایط مختلف را دارد و به‌ویژه در زمینه‌های مبتنی بر ادراک، عملکرد قوی‌تری از خود نشان می‌دهد.

• حساب چالش هزاره با وزن ۰/۳۹۷ در رتبه دوم قرار گرفت. این روش در معیارهای «کیفیت نظارت» (۰/۴۳۷) و «اثربخشی دولت» (۰/۵۱۵) امتیاز بالایی کسب کرد، که نشان‌دهنده تمرکز آن بر نتایج ملموس و خروجی‌های عملکردی است؛ با این حال، در معیارهای اصلی، مانند کنترل فساد و حاکمیت قانون، نسبت به WGI ضعیف‌تر عمل کرد.

• شاخص ترکیبی با وزن ۰/۱۴۱ در جایگاه سوم قرار گرفت. این روش در هیچ‌یک از معیارها برتری چشمگیری نداشت؛ اما در «ثبات سیاسی» (۰/۴۳۷) با شاخص حکمرانی جهانی هم‌تراز بود. ضعف کلی این روش ممکن است به عدم جامعیت و انسجام کافی در ترکیب داده‌ها نسبت داده شود.

روش تحلیل سلسله‌مراتبی فازی (FAHP) که در این پژوهش به کار گرفته شد، ابزاری قدرتمند برای تصمیم‌گیری چندمعیاره است که با استفاده از اعداد فازی مثلثی (l, m, u) و مقیاس مقایسه زوجی، امکان ارزیابی دقیق‌تر شاخص‌ها را در شرایط عدم قطعیت فراهم می‌کند. این روش با ساختار سلسله‌مراتبی خود، مسئله پیچیده حکمرانی شایسته را به اجزای قابل مدیریت تقسیم کرد و با بهره‌گیری از نرم‌افزار EXPERT CHOICE، اوزان معیارها و گزینه‌ها را محاسبه کرد. انتخاب ۲۰ نفر از خبرگان به صورت هدفمند، بر اساس دیدگاه‌های صاحب‌نظرانی چون ساعتی، اطمینان نسبی به نتایج را تضمین کرد؛ با این حال، وابستگی به نظرات ذهنی خبرگان و عدم استفاده از داده‌های عینی گسترده، می‌تواند به عنوان یک محدودیت مطرح شود. نرخ ناسازگاری محاسبه شده نیز نشان‌دهنده سازگاری قابل قبول پاسخ‌ها بود، که اعتبار تحلیل را تقویت می‌کند.

پیامدهای علمی و عملی

۱. پیامدهای علمی:

• این پژوهش به ادبیات موجود در زمینه حکمرانی شایسته افزوده و با استفاده از روش FAHP، رویکردی نوین برای رتبه‌بندی شاخص‌ها ارائه کرده است. تأکید

بر کنترل فساد و حاکمیت قانون به عنوان اولویت‌های اصلی، با یافته‌های محققانی چون هاندویو (۲۰۲۳) و بوهل (۲۰۲۴) هم‌راستاست و بر اهمیت این مؤلفه‌ها در توسعه پایدار تأکید دارد.

• مقایسه روش‌های ارزیابی، برتری شاخص حکمرانی جهانی را تأیید می‌کند و پیشنهاد می‌دهد که پژوهش‌های آینده می‌توانند از این ابزار به عنوان مبنایی برای تحلیل‌های تطبیقی استفاده کنند.

۲. پیامدهای عملی:

• برای سیاست‌گذاران در ایران و سایر کشورهای در حال توسعه، این مطالعه راهنمایی روشن ارائه می‌دهد که تمرکز بر کنترل فساد و تقویت حاکمیت قانون باید در صدر اولویت‌ها قرار گیرد. ایجاد نهادهای نظارتی مستقل و تقویت مشارکت مردمی می‌تواند به عنوان گام‌های عملی بعدی مدنظر قرار گیرد.

• پیشنهاد استفاده از شاخص حکمرانی جهانی به عنوان ابزار ارزیابی، امکان مقایسه عملکرد کشورها را فراهم می‌کند و می‌تواند به مدیران کمک کند تا نقاط ضعف و قوت نظام حکومتی خود را بهتر شناسایی کنند.

این پژوهش نشان داد که در چهارچوب حکمرانی شایسته، «کنترل فساد» مهم‌ترین اولویت است و «شاخص حکمرانی جهانی» بهترین ابزار برای ارزیابی آن. این یافته‌ها نه تنها درک نظری از حکمرانی شایسته را غنی‌تر می‌کنند، بلکه راهکارهای عملی برای بهبود نظام‌های حکومتی در کشورهای در حال توسعه ارائه می‌دهند. با توجه به نتایج، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران و محققان با تمرکز بر تقویت نهادهای نظارتی، ارتقای شفافیت، و افزایش مشارکت شهروندان، به سوی تحقق الگویی کارآمد و پایدار از حکمرانی شایسته حرکت کنند.

پیشنهادهای

شایسته است در راستای نیل به حکمرانی شایسته در ایران، مسئولان امر شاخص‌های حکمرانی شایسته را رصد و به عنوان شاخص‌های اصلی ارزیابی عملکرد لحاظ کنند.

به منظور جلوگیری از هدررفت منابع سازمان‌ها می‌توان نهادی را به عنوان متولی تعیین شاخص و ارزیابی نیل به شاخص‌های حکمرانی شایسته ایجاد یا از ظرفیت‌های موجود استفاده کنند.

به منظور تدقیق تحقیقات در حوزه حکمرانی شایسته پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی میزان اثر هریک از شاخص‌های حکمرانی در پیاده‌سازی حکمرانی شایسته سنجش شود. انجام مطالعات تطبیقی در راستای استفاده از تجارب ملل مختلف نیز می‌تواند در تحقیقات آینده مورد واکاوی قرار گیرد.

یکی از موضوعات مرتبط با پژوهش حاضر تدوین مدل جامع حکمرانی شایسته متناسب با ویژگی‌های ایران است که می‌تواند محور پژوهش‌های آینده قرار گیرد.

علی‌رغم دستاوردهای این پژوهش، محدودیت‌هایی نیز وجود دارد. وابستگی به نظرات خبرگان و نمونه کوچک (۲۰ نفر) ممکن است تعمیم‌پذیری نتایج را کاهش دهد؛ همچنین، عدم بررسی عمیق عوامل زمینه‌ای و بومی (مانند فرهنگ و تاریخ ایران) می‌تواند تحلیل را محدود کند. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده:

- از روش‌های مکمل مانند تاپسیس یا دیمتل برای اعتبارسنجی نتایج استفاده کنند.
- تأثیر هر شاخص بر پیاده‌سازی حکمرانی شایسته را به صورت کمی و با داده‌های واقعی سنجش کنند.
- مطالعات تطبیقی با کشورهای دیگر انجام دهند تا الگوهای موفق شناسایی شوند.
- مدل جامعی برای حکمرانی شایسته متناسب با ویژگی‌های بومی ایران طراحی کنند.

منابع فارسی

- باقرزاده خداهشهری، راحله، آزاده دل، محمدرضا، باقرزاده خداهشهری، راضیه، (۱۴۰۲)، «طراحی مدل حکمرانی شایسته برای ارتقای سلامت اداری نظام مالیاتی، پژوهش‌نامه مالیات»، ۳۱ (۵۹)، ۱۰۶-۱۲۸.
- بیگی‌نیا، عبدالرضا، صفری، سعید، مرشدی‌زاد، علی، پولادری، عبدالمجید، (۱۳۹۱)، «شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های حکمرانی»، چشم‌انداز مدیریت دولتی، ۳ (۴)، ۶۵-۸۶.
- فهیم، عیسی، حسین‌زاده، علی، پورسلیمی، مجتبی و قاسمی‌نامقی، محمد. (۲۰۲۰). ارائه مدلی از روش دیمتل و فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی فازی به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر برندسازی بر مبنای رویکرد گراند تئوری (مورد مطالعه: صنعت بانکداری). مدیریت کسب و کار، ۴۶ (۱۲)، ۴۰-۷۳.
- قلی‌پور، رحمت اله، (۱۳۸۴)، تحلیل رابطه الگوی حکمرانی شایسته و فساد اداری، «مدیریت فرهنگ سازمانی»، ۳ (۳)، ۱۰۳-۱۲۷.
- میدری، احمد. خیرخواهان، جعفر، (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب بنیان توسعه، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

منابع انگلیسی

- Bauhr, M., & Nasiritousi, N. (2022). How do international organizations promote quality of government? *Governance*, 35(1), 223–240. <https://doi.org/10.1111/gove.12612>
- Bouhlel, S. (2024). The Impact of Governance on Economic Development in Africa. *Culture and Local Governance*, 9(1), 123–136. <https://doi.org/10.18192/clg-cgl.v9i1.7098>
- Bryant, C. (2018). Government versus Governance: structure versus process. *Introduction au dossier sur la Gouvernance Rurale*. 43. <https://doi.org/10.4000/ECHOGEO.15288>

- Das, P. K., & Giri, M. (2024). The Effect of Good Governance Indicators on Economic Growth throughout Selected Asian Countries. 107-123. <https://doi.org/10.4324/9781003530688-8>
- Grindle, M. S. (2020). Good governance, R.I.P.: A critique and an alternative. *Governance*, 33(1), 167-173. <https://doi.org/10.1111/gove.12469>
- Handoyo, S. (2023). Worldwide governance indicators: Cross country data set 2012-2022. *Data in Brief*, 51, 109814. 1-11. <https://doi.org/10.1016/j.dib.2023.109814>
- Khouya, M., & Benabdelhadi, A. (2020). Good Governance And Its Impact On Economic Development: A Systematic Literature Review. 1(1), 47-67. <https://doi.org/10.5281/ZENODO.3936217>
- Kinay, A., T, Tezel. (2022). Modification of the fuzzy analytic hierarchy process via different ranking methods. *International Journal of Intelligent Systems*. Vol 7. Doi: [org/10.1002/int.22628](https://doi.org/10.1002/int.22628).
- Maiti, S., Asiedu, J. K., Mandi, S., & Gupta, T. (2024). Does Good Governance Affect Economic Growth? 211-226. <https://doi.org/10.4324/9781003530688-15>
- Mohan, R. (2023). *Good Governance is Good Development* (pp. 41-80). Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780198893103.003.0003>
- Peters, B. Guy, Pierre, John. (1998). Governance Without Government? Rethinking Public Administration. *Rethinking Public Administration*. Vol. 8, No. 2. 223-243. Doi: [org/10.1093/oxfordjournals](https://doi.org/10.1093/oxfordjournals).
- Rotberg, R. I. (2014). Good governance means performance and results. *Governance*, 27(3), 511-518. <https://doi.org/10.1111/gove.12084>